



مبانی سیاسی - نظری

حزب دمکراتیک مردم ایران

مصوب کنگره دوم

انتشارات حزب دمکراتیک مردم ایران

چاپ اول

مردادماه ۱۳۶۹

بها معادل ۲ مارک آلمان غربی

iran-archive.com

## مقدمه

حزب دمکراتیک مردم ایران در این سند، خطوط کلی هدف ها، دیدگاهها و آرمانهای خود را دربارہ برخی از مهم ترین و مبرم ترین مسائل سیاسی-نظری مورد توجه جنبش چپ و دمکرات ایران مطرح می سازد.

یادآوری این نکته ضرورت دارد که حزب ما در این وادفاسی پراکندگی نیروهای جنبش چپ و مترقی مردم ایران، چون پدیده ای تصادفی سر از زمین برنیاورده است. بخشی از اعضای مؤسس این حزب، مبارزانی هستند که سالیان متمادی در صفوف حزب توده ایران عضویت داشته و بخشی دیگر، در سازمان های سیاسی چپ ایران فعال بوده اند. همه آنان، راه فداکاری و خدمت به زحمتکشان و محرومان جامعه و تمهد به آزادی و استقلال ایران را در زندان ها و سیاهچال های رژیم سرنگون شده شاهنشاهی و در جریان مبارزه، با تحمل محرومیت های اجتماعی به ثبوت رسانده اند.

نیروی اصلی مؤسسان حزب ما، پس از طی يك دوره مبارزه درون حزبی چندساله، علل شکست انقلاب بهمن را بررسی کرد. هم زمان با آن به ریشه یابی تئوری های غلط حزب توده ایران پرداخت که اساساً ناشی از وابستگی های کمینترنی آن حزب بوده و ارزیابی فرصت طلبانه اش در دفاع از حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، به نوبه خود، ناشی از همین وابستگی بوده است.

در فرجام يك تعمق و تأمل مسئولانه و تلاش برای بازنگری بنیادی به گذشته که با جنبش های اعتراضی درحزب توده ایران آغاز شد، پس از کنفرانس به اصطلاح ملی، (خرداد ۱۳۶۵) که فرمایشی بودن آن را ما و از جمله تعدادی از اعضای رهبری حزب توده برملا نموده ایم، از صفوف حزب توده جدا شدیم و سپس با گذراندن يك دوره تدارک پُرحوصله نظری-سازمانی، حزب دمکراتیک مردم ایران را در نخستین کنگره آن، در دی ماه ۱۳۶۶ بنیاد نهادیم.

جنبش ما از آغاز کار مستقلانه خود، به جمع بندی ها و استنتاجات و مواضع نوینی دست یافت و با برخی از نظریه های اساسی متداول در جنبش کمونیستی، مرزبندی کرد. نوشته ها و اسناد متعدد ما گواه این امر است.

حزب ما از مدت ها پیش، در مسیر نواندیشی گام نهاده و تفکر و مشی دمکراتیک را، راهنمای اصلی خود قرار داده بود. توجه به نقش مرکزی و محوری دمکراسی در جامعه

و در درون حزب، رد بسیاری از نظریه های متداول و حاکم در جنبش جهانی کمونیستی، مرزبندی با درک انحرافی از "انترناسیونالیسم پرولتری" و روابط کمینترنی، نفی عملکرد "دیکتاتوری پرولتاریا" در کشورهای سوسیالیستی، از آن جمله اند.

اما در این دو سال و نیمی که از کنگره مؤسسان گذشته است، تحولات عظیم و سرنوشت سازی در جهان رخ داده است و همچنان رخ می دهد. جنبش جهانی کمونیستی بچار دگرگونی های بنیادی شده و نظام "سوسیالیسم واقعاً موجودی" که ادعا می شد به عامل تعیین کننده در روند تاریخ مبدل گشته است، از درون فروپاشید.

در جریان دگرگونی های کشورهای "سوسیالیستی" و بازسازی آنها، احکام و "مقدسات" پذیرفته شده ای که بنیان های فکری و استخوان بندی سیستم نظری قاطبه کمونیست های جهان را تشکیل می داد به زیر سؤال رفتند و در برخی از این کشورها، در برابر خیزش مسالمت آمیز توده های مردم، تاب نیاوردند و به کنار گذاشته شدند.

مطابقت با واقعیت های زندگی و تجربه و عمل، یگانه ملاک قابل اتکاء برای تشخیص صحت يك تئوری است. فروپاشی از درون و به طور عمده مسالمت آمیز "سوسیالیسم واقعاً موجود" در طی چندماه در کشورهای مختلف، آزمایشگاه واقعیت ها و عمل بود، که غلط و نارسا بودن برخی تئوری های اساسی مارکسیسم-لنینیسم را در مقیاس جهانی نشان داد. زیرا کاربست همین تئوری ها به ویژه در بیان و کلام لنینی آن، چون دیکتاتوری پرولتاریا، انترناسیونالیسم پرولتری، ساختمان حزب طرازنویین، دوران، امپریالیسم و غیره منشأ و شالوده نظری و آئینی سوسیالیسم نوع شوروی بود که به يك رژیم استبدادی و توتالیتریستی، دیکتاتوری تک حزبی و فردی، دولتی کردن همه شئون اقتصادی-سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه انجامید.

بی تردید، شکست چنین نظام مقتدر جهانی، متجسم در "سوسیالیسم واقعاً موجود"، با تئوری های پایه ای و ذاتی آن سیستم، شرایط بسیار مناسبی برای رشد حرکت و تسریع روند بازنگری های ما به وجود آورد. اندیشه نو و دمکراتیک، که در جنبش ما از شش سال پیش به این سو آغاز شده بود، با پویایی به راه خود ادامه داد.

سند حاضر، بر شالوده تجربیات جنبش چپ و ملی-دمکراتیک نیم قرن اخیر ایران و به ویژه ده سال تجربه بعد از انقلاب بهمن ۵۷ تنظیم شده و از دگرگونی های بنیادی در میانی نظری جنبش جهانی کمونیستی و از شکست تجربه سوسیالیسم نوع شوروی متأثر است.

## ۱- حزب دمکراتیک مردم ایران چه می خواهد و چه می گوید؟

سند "مبانی نظری-سیاسی"، برنامه حزب دمکراتیک مردم ایران نیست. زیرا در شرایط کنونی و دگرگونی های بنیادی موازین فکری در میان نیروهای چپ، آنچه در آغاز، بنظر ماضوریت دارد، داشتن درکی روشن و نواندیشانه در یک رشته از اصلی ترین مفاهیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است تا برشالوده آن، برنامه سیاسی حزب تدوین گردد.

سند حاضر، پرداختن به همین وظیفه مقدم را هدف خود قرار داده است. اما آنچه در این سند می آید، فراتر از آن است و بحق چارچوب و کارپایه لازم و کافی برای تعیین مشی سیاسی حزب، برای سمت دهی به فعالیت های مبرم و روزمره آن و ترسیم تاکتیکهای مبارزاتی حزب را فراهم می کند.

جوهر این سند، که سنگ بنای نظری-سیاسی حزب دمکراتیک مردم ایران را تشکیل می دهد، پایبندی و تعهد بی قید و شرط به دمکراسی و حقوق بشر، باور عمیق بر ضرورت مبارزه در راه عدالت اجتماعی و تأمین هرچه کامل تر آنست.

از دیدگاه حزب دمکراتیک مردم ایران، این دواصل، جدائی ناپذیر و لازم و ملزوم هم اند. بدون دمکراسی واقعی و احترام به حقوق بشر، تحقق عدالت اجتماعی غیرممکن است. زیرا نفس دمکراسی و حقوق بشر، خود در قلمرو عدالت اجتماعی مفهوم می یابد و بدون تأمین عدالت اجتماعی و تلاش در راه آن، دمکراسی و حقوق بشر بیشتر به یک شعار می ماند و مسلماً ناپایدار و شکننده خواهد بود.

اصلی ترین پیام این سند، بیان نکات زیرین است:

۱.۱- حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمانی متشکل از مردم آزادیخواه، استقلال طلب و عدالت جوی ایران است که حول دیدگاه ها، هدف ها و برنامه سیاسی آن، مبارزه می کنند و مدافع منافع زحمتکشانشان یدی و فکری هستند.

۲.۱- حزب دمکراتیک مردم ایران بر این باور است که استقرار دمکراسی و تأمین حقوق بشر و عدالت اجتماعی و دستیابی به سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، خواست ها و آرمان های قاطبه مردم ایران است و از این رو تحقق آن ها، صرفاً به اتکاء منافع یک طبقه و ایدئولوژی طبقه، ممکن نیست.

ما عمیقاً بر این باوریم که بدون یک بازنگری عمیق و شجاعانه به تئوری های غلط و انحرافی جاافتاده کمینترنی که آگاهی کاذب ما را در طول دهه ها تشکیل می داده اند، و مرزبندی قاطع با بخش های اساسی لنینیسم و اساساً بدون اجتناب از هرگونه برخورد مذهبی به مکاتب فلسفی و ایدئولوژیک، بدون یک ارزیابی واقعی از جهان کنونی و سمت و سوی تحولات سیاسی-اقتصادی دنیای پیرامون، بدون تجدیدنظر ریشه ای در بنیان های فکری سنتی مسلط، چپ ایران هرگز قادر نخواهد بود همچون نیروی مؤثر ملی و دمکراتیک، منشأ اثر جدی در تعیین سرنوشت ایران و در مبارزه برای عدالت اجتماعی و استقرار دمکراسی کامل در کشور باشد.

اکنون دومین کنگره حزب را در فاصله کمتر از دو سال و نیم، پشت سر گذاشته ایم و مبانی نظری-سیاسی حاضر را که کارپایه حزب دمکراتیک مردم ایران است، در اختیار هم میهنان خود قرار می دهیم. تلاش ما در این سند، ارائه نظریات ما پیش پای همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران و مدافعان عدالت اجتماعی و سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی است. این سند، مشارکت نظری-سیاسی ما، در پایه ریزی یک حزب بزرگ مردمی، آزاداندیش و دمکراتیک است.

\*\*\*

در سندی که ارائه می شود، مبانی نظری-سیاسی حزب دمکراتیک مردم ایران در

مسائل زیر بیان شده است:

۱- حزب دمکراتیک مردم ایران چه می خواهد و چه می گوید؟

۲- هدف مقدم حزب ما

۳- سیاست های ائتلافی ما

۴- درک و تلقی ما از دمکراسی

۵- آرمان نهائی ما

منافع يك طبقه و ایدئولوژی طبقه، ممکن نیست.

دستیابی به همه خواست ها و آرمان های بالا، در سایه کارمشتراك و مشارکت برابر حقوق و فعال و آگاهانه همه نیروهای سیاسی، از افق های متفاوت امکان پذیر است. تنها با بهره جویی از تجارب و سنت های مبارزاتی دارندگان گرایش های مختلف سیاسی، فرهنگی و آرمانی، که به درجات مختلف در همین سمت و سو، اما از زاویه های دیگر و بادیگاه های متفاوت حرکت می کنند، می توان به خواست ها و آرمان های بالا تحقق بخشید.

از این رو، حزب دمکراتیک مردم ایران، در عین حفظ پیوند با تجارب و سنت های سالم جنبش کارگری ایران و جهان، اینک بمثابة يك سازمان غير ایدئولوژیک، تجدید حیات می کند و شرایطی فراهم میکند تا همه کسانی که دیدگاه ها و مشی سیاسی آن را می پذیرند، بتوانند مستقل از باورهای فلسفی و مذهبی خود، به آن بپیوندند.

حزب دمکراتیک مردم ایران، اینک حزبی است مبتنی بر برنامه سیاسی، نه استوار بر یک ایدئولوژی از پیش ساخته شده.

۳-۱- پایبندی به دمکراسی، عمیقاً در ساختار درونی حزب منعکس است. حزب دمکراتیک مردم ایران، بر پایه دمکراسی وسیع درون سازمانی، بر شرکت آگاهانه اعضای سازمان های حزبی در پیشبرد برنامه سیاسی و عملی آن، بر رهبری و خرد جمعی و بر اساس خودمختاری سازمان های مختلف آن و پذیرش وجود گرایش های مختلف، در چارچوبی که اساسنامه تعیین می کند، استوار است.

حزب دمکراتیک مردم ایران، بنا بر اصل "وحدت در تنوع" عمل می کند و حقوق اقلیت نظری را در دفاع آزادانه از مواضع خود در درون و بیرون از حزب مجاز می شمرد. لذا وجود گرایش های نظری در حزب و فعالیت آزاد و علنی آنان را امری طبیعی و در جهت درک دمکراتیک خود از اصول ساختمان حزب نواندیش می داند.

۴-۱- آرمان نهائی حزب دمکراتیک مردم ایران، برقراری جامعه ای است که در آن دمکراسی کامل و عدالت اجتماعی واقعی، دو رکن اصلی وجدایی ناپذیر آن باشند. جامعه ای که در آن "رشد آزاد فرد، شرط رشد آزاد همگان باشد." حزب ما، سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی را مناسب ترین راه دستیابی به این هدف می داند.

اما سوسیالیسم مطلوب ما، نظام جانشین بلا فصل جمهوری اسلامی در فردای سرنگونی آن نیست. گذار از مرحله دمکراسی سیاسی، که ممکن است کم و بیش طولانی باشد، ضرورت دارد. مضمون اجتماعی-اقتصادی این مرحله، بورژوا-دمکراتیک است. یعنی متضمن رشد سرمایه داری خصوصی و دولتی در جهت گسترش و مدرنیزه کردن تولید و پیشرفت و ترقی اجتماعی، در یک نظام مبتنی بر دمکراسی سیاسی است.

حزب دمکراتیک مردم ایران، در چنین نظامی برای گسترش هر چه بیشتر دمکراسی سیاسی و اقتصادی و تأمین بدون قید و شرط آزادی: آزادی مطبوعات و بیان و قلم، آزادی اندیشه و مذهب، آزادی تشکل و اجتماعات و غیره، تلاش می کند. و برای هدایت بخش دولتی اقتصاد و امکانات مالی دولت در راه توسعه زیربنای کشور و طرح های عمرانی در جهت تأمین نیازهای محروم ترین اقشار جامعه و ارتقاء سطح زندگی آنان، و نیز در راه محدود کردن ثروت های سرشار، رفهرم ارضی جامع و گسترده با هدف دفاع از بزرگان و بالابردن سطح تولیدات کشاورزی و دامداری-رفهرم سیاسی و اداری کشور در جهت مرکزیت زدایی و اعطای خودمختاری به ملیت ها و اقوام ساکن ایران و برابری حقوق زن و مرد مبارزه خواهد کرد.

۵-۱- بدین ترتیب، تحول جامعه بسوی سوسیالیسم دمکراتیک مورد نظر ما، در ایرانی آزاد و در شرایط یک دمکراسی نسبتاً پیشرفته و جا افتاده و برشالوده اقتصاد بالنسبه رشد یافته کشور، امکان پذیر است. از دیدگاه ما، تحول بنیادی جامعه به سوسیالیسم، برای اینکه دمکراتیک باشد و جوهر دمکراسی آن نیز حفظ شود و گسترش یابد، باید امر واقدامی آگاهانه و داوطلبانه از سوی اکثریت مردم ایران باشد، و چنین تحولی در وضعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی فوق الذکر، جز به اتکاء آراء عمومی و مسالمت آمیز ممکن نیست. بدون آمادگی ذهنی مردم برای سوسیالیسم و بدون یک اقتصاد نسبتاً پیشرفته، سوسیالیسم امری تحمیلی به جامعه بوده و اراده گرا و ناقض دمکراسی است. سوسیالیسم هم اگر بادمکراسی واقعی توأم نباشد، به مسخ آن به توتالیتاریسم می انجامد و عاقبت شکست می خورد.

۶-۱- حزب دمکراتیک مردم ایران مبارزه در راه سرنگونی رژیم ارتجاعی-استبدادی جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام دمکراتیک بجای آن را وظیفه میرم و مقدم خود می داند و برای دستیابی به آن، طرفدار بکارگیری همه اشکال مبارزه، از خیزش مسالمت —

آمیز توده ای و قیام ملی، تا توسل به زور است. حزب ما، تاکتیک های مبارزاتی لحظه را متناسب با شدت و ضعف جنبش توده ای و اوضاع حاکم بر کشور و آمادگی مبارزاتی مردم تعیین می نماید، و از پیش شیوه ای را مطلق نمی کند و دست و پای خود را نمی بندد.

برعکس، در رابطه با گذار به سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، مخالف کسب قدرت از راه بکارگیری اشکال مبارزاتی کودتایی و توطئه گرانه و قهرآمیز مسلحانه و هر راه غیردمکراتیک دیگر است. زیرا چنانچه تأکید شد، تحول به سوسیالیسم دمکراتیک، در شرایطی امکان پذیر است که در جامعه دمکراسی حاکم باشد و حاکمیت مردم واقعاً عمل کند.

در چنین شرایطی، عدول از بکارگیری شیوه های دمکراتیک تجهیز افکار عمومی برای تحولات اجتماعی و توسل به قهر مسلحانه، حتی به نام انقلاب و سوسیالیسم، قابل توجیه نیست و بی تردید پیامد آن استقرار نظامی استبدادی است. زیرا اگر حکومتی بر سر کار باشد که مانع چنین تحول دمکراتیک به سوسیالیسم باشد یا اساساً حکومتی استبدادی بر سر کار باشد، در آن صورت بدو تدارک برآمد آگاهانه توده ای در اشکال مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز آن برای برقراری یک رژیم دمکراتیک ضرورت دارد، نه برای کسب قدرت برای سوسیالیسم. بویژه بدین مناسبت است که مقدم بودن مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری دمکراسی سیاسی اهمیت ویژه ای کسب می کند و به ضرورتی اجتناب ناپذیر برای تأمین شرایط لازم برای تحولات بنیادی بعدی جامعه تبدیل می گردد.

۷-۱- حزب دمکراتیک مردم ایران، مخالف سرسخت هرگونه رژیم دیکتاتوری، از جمله دیکتاتوری بنام پرولتاریاست. حزب دمکراتیک مردم ایران مخالف دولت ایدئولوژیک از هر نوع، چه مذهبی و چه مکاتب فلسفی دیگر است. حزب ما خواستار جدایی دین از دولت و ایدئولوژی از دولت است.

۸-۱- حزب دمکراتیک مردم ایران معتقد است که کشور ایران، سرزمین مادری همه خلق ها و ملیت هایی است که طی قرن ها در کنار هم زیسته اند و می توانند و باید، در مبارزه

مشترک برای آزادی و آبادی میهن، در کنار یکدیگر قرار گیرند.

ما با علاقه کامل به حفظ تمامیت ارضی ایران و خودمختاری کامل برای همه خلق های ساکن آن، اعتقاد داریم که اتحاد همه ما در سرزمین مشترک، اتحادی داوطلبانه است. حزب ما وظیفه خود می داند که از طریق مبارزه با هر نوع ستم ملی و تأمین برابری همه خلق های ایران، از این اتحاد برادرانه پاسداری کند.

۹-۱- حزب دمکراتیک مردم ایران، برای رهایی زن از تبعیضات و اجحافات و مظلومی که طی قرن ها در همه شئون جامعه مردسالاری تحمل کرده و بویژه در جمهوری اسلامی به وی تحمیل شده است، مبارزه می کند و خواستار برابری کامل و واقعی زن و مرد در همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی و امور جنسی و قوانین قضایی و مدنی است. حزب ما به تطبیق سیاست ها و برنامه های خود، با آنچه جنبش مستقل زنان و فمینیسم به آن می آموزد، پرداخته و استقلال جنبش زنان را مدنظر دارد.

## ۲- وظیفه مقدم وهدف مرحله ای حزب ما.

۱.۲- وظیفه مقدم وهدف مرحله ای ما، مبارزه دوشادوش با سایر نیروهای دمکرات و ملی و مترقی علیه رژیم ارتجاعی-توتالیتریستی جمهوری اسلامی تاسرنگونی آن و برقراری یک جمهوری مبتنی بر استقلال ملی و دمکراسی سیاسی و حقوق بشر است.

۲.۲- رژیم مبتنی بر دین سالاری و حاکمیت مطلقه ولایت فقیه، چون هر نظام ایدئولوژیک برای تحمیل خود بر جامعه ایران، راه جبر و سرکوب همه دگراندیشان و شکنجه و کشتار و حتی قتل عام مخالفان را در پیش گرفته و آزادی های سیاسی و صنفی را از مردم و نیروهای سیاسی سلب و دمکراسی را پایمال کرده است. تا چنین است، و در شرایطی که هیچ گونه امکان رفرم و اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی فراهم نیست، چنین رژیمی را نمی توان با استفاده از موازین دمکراتیک ناموجود و یا تکیه بر آراء مردم، که امکان ابراز آزادانه آن را ندارند، تغییر داد.

در چنین وضعیتی، چشم انداز برکناری رژیم در روند یک خیزش آگاهانه و تدارک شده وسیع توده ای، برای مقابله با مقاومت خشونت آمیز آن و استقرار یک آلترناتیو دمکراتیک، قابل تصور نیست. تجربه نشان داده است که عصیان ها و برآمدهای بی برنامه و خودبخودی که معمولاً محصول واکنش توده های مردم در برابر مظالم حکام جابر و نابسامانی های اجتماعی است، با همه ارزش و اهمیت نسبی، باخیزش آگاهانه برای استقرار آلترناتیو دمکراتیک تفاوت بنیادی دارد و بنابه تجارب تاریخی، می تواند نتایج غیردمکراتیک و فاجعه باری داشته باشد.

۳.۲- در جمهوری جانشین رژیم واپسگرا و استبدادی کنونی، حکومت پیشنهادی حزب دمکراتیک مردم ایران، با مراجعه به آراء عمومی مردم و کاملاً آزاد انتخاب می شود و مجلس شورای ملی، عالی ترین ارگان قانون گذاری و از مراجع اصلی بیان حاکمیت مردم است.

منشور حقوق بشر سازمان ملل، اساس و جوهر قانون اساسی ایران و زیربنای آن را تشکیل می دهد و هر قانونی که مغایر و ناقض اصول مندرج در منشور حقوق بشر باشد، فاقد اعتبار است.

جمهوری پیشنهادی ما، حکومت قانون و تجسم دولتی منشور حقوق بشر است که در آن، آزادی کامل مطبوعات، عقیده و مذهب، بیان و قلم، تشکل های سیاسی و صنفی، تأمین می شود و مورد حمایت قانونی قرار می گیرد. برقراری دمکراسی سیاسی، یعنی تأمین واقعی و کامل آزادی های دمکراتیک فوق الذکر، انتخابی بودن مجلس نمایندگان، رئیس جمهوری و جستجوی راه های مختلف دمکراتیک برای شرکت واقعی مردم در امور خود و انتخابی بودن نهادها و ارگان هایی که با زندگی و سرنوشت آنها سروکار دارند، شرایط ضروری برای تأمین حاکمیت مردم است.

در جمهوری پیشنهادی ما، مبتنی بر آزادی های سیاسی کامل، همه نیروهای سیاسی و احزاب باید متعهد شوند تا بی خدشه، حاکمیت مردم را محترم شمارند، و تا هنگامی که دمکراسی حاکم و آزادی ها برقرار است، برای پیشبرد نظریات و مواضع خود، راه های دمکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه را در پیش گیرند.

۴.۲- جمهوری ایران متعهد به دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران، طرفدار صلح در منطقه و جهان و عدم تعهد است. و روابط بین المللی خود را با همه کشورهای جهان، بویژه همسایگان خود، بر پایه دوستی و تفاهم متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر استوار می سازد.

## ۲- درباره سیاست های ائتلافی ما.

سیاست های ائتلافی ما، زمینه های زیر را دربرمی گیرد:

### ۱.۳- ایجاد ائتلاف وسیع ازیروهای دمکرات و ملی:

برای مبارزه در راه پایان دادن به حکومت رژیم استبدادی-ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری، مبتنی بر دمکراسی، استقلال ملی و حقوق بشر، تشکیل چنین ائتلافی، مبرمترین و عمده ترین وظیفه مشترک همه نیروهای چپ و دمکرات و ملی کشور ماست. زیرا رژیم استبدادی و مطلق العنان و مرتجع جمهوری اسلامی، سد راه هرگونه تحول دمکراتیک، تجدید و ترقی در ایران است. در مبارزه در راه و باهدف سرنگونی رژیم کنونی، قاطبه نیروهای چپ نواندیش، نیروهای دمکرات-ملی، احزاب و سازمان های رهبری کننده مبارزات خلق های ساکن ایران، بخشی ازیروهای ملی-اسلامی طرفدار دمکراسی، گروه ها و دسته های آزادیخواه و شخصیت های اجتماعی مترقی و دمکرات سپیم و علاقه مندند.

۱۱.۳- هم اکنون، در این مبارزه، نیروهای طرفدار سلطنت، از مشروطه خواهان، نهضت مقاومت ملی ایران گرفته تا سلطنت طلبان شاه اللهی، در فعالیت اند. در سوی دیگر، تحت پوشش "شورای ملی مقاومت" سازمان مجاهدین خلق ایران، در نقش نیروی اصلی و تعیین کننده آن، برای استقرار نوعی جمهوری اسلامی، مبارزه می کند. لذا خلاء جبهه ای ازیروهای دمکراتیک و جمهوری خواه، چون آلترناتیو نظام حاکم، در کل اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی شدت محسوس است.

۲۱.۳- از این رو، تلاش برای ایجاد یک جبهه ائتلافی دمکراتیک از جمهوری خواهان، متناسب با نیازهای واقعی و مبرم لحظه، به قصد سازمان دهی مبارزات مردم برای پایان دادن به رژیم استبداد مذهبی جمهوری اسلامی ضرورت دارد، جبهه ای که واقعاً خواستار استقلال ایران و معتقد به آزادی های دمکراتیک پایدار باشد و حاکمیت پس از سرنگونی را تا فراخوانی مجلس موسسان برای تعیین چگونگی نظام آینده، عهده دار شود. حزب دمکراتیک مردم ایران در مجلس موسسان، همچنان برای برقراری نظام جمهوری تلاش خواهد کرد.

### ۳۱.۳- اصول عام حاکم بر جبهه ائتلافی دمکراتیک که چارچوب اصلی منشور آن را

تشکیل دهند، عبارتند از:

تعهد به برقراری دمکراسی و احترام و رعایت حقوق بشر، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران، تأمین خواست خودمختاری اقوام و ملیت های ساکن ایران، تعهد به پیروی از سیاست خارجی مستقل و غیرمتعهد و تلاش در راه صلح و آرامش و کاهش تسلیحات. تعهد به رعایت اصول دمکراتیک و برابرحقوق در روابط داخلی جبهه، اجتناب از انحصار-طلبی و اعمال هژمونی بر جبهه و پذیرش آزادی عمل و اندیشه برای کلیه اعضاء جبهه با در نظر گرفتن مصالح و تعهدات عمومی و مشترک و نیز ملاحظه حیثیت و اعتبار جبهه. تعیین دقیق و جامع رسالت جبهه ائتلافی دمکراتیک و وظایف و چارچوب منشور آن و نیروهای تشکیل دهنده و شکل نهایی آن و سایر مسائل مربوط به چنین جبهه ای، کار مشترک بنیانگذاران آنست.

حزب دمکراتیک مردم ایران به سهم خود خواهد کوشید تا چارچوب جبهه چنان باشد که امکان دهد وسیع ترین نیروهای جمهوریخواه و آزادی طلب را در صفوف خود جای دهد.

۴۱.۳- پس از تشکیل جبهه ائتلافی از جمهوری خواهان، این جبهه می تواند با سایر نیروها و تشکل های مخالف رژیم، به اقدامات مشترک و یا ائتلاف های موقت، در ارتباط با مسائل مهم مبارزات ضد رژیم دست بزند. کارزار وسیع و اقدامات مشترک علیه رژیم میتواند در زمینه های زیر صورت بگیرد:

سازماندهی کارزار جهانی فشار تا تحریم سیاسی-اقتصادی بر رژیم جمهوری اسلامی از سوی دولت های بزرگ و موثر جهان و نهادهای بین المللی، برای وادار کردن دولت ایران به رعایت حقوق بشر در ایران، ایجاد کارزار وسیع تبلیغاتی علیه رژیم، و یا اقدامات مشترک در جهت دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران و حمایت از ایرانیان مهاجر و مسئله تضمین شرایط سیاسی در کشور برای بازگشت قاطبه آنان به میهن و نظایر آن.



### ۲.۳. اتحاد عمل و وحدت نیروهای چپ

قصداصلی حزب مادر این مورد، مقابله با تفرقه نیروهای چپ دمکرات و نواندیش و تلاش برای ایجاد همکاری ها وهم سوئی های بیشتر دراصلی ترین مسائل جنبش درایران باهدف تأمین وحدت آنها و ایجاد يك حرکت متحد چپ نواندیش و معتقد به سوسیالیسم دمکراتیک است .

دستیابی به این هدف ، درزمان و در روند همکاری های دائمی امکان پذیر است و می تواند از طریق يك شورای همکاری تحقق پذیرد .

حزب دمکراتیک مردم ایران آماده است باهرکدام ازسازمان های چپ دمکرات و نواندیش و یا کادرهای سرشناس رهبری های سازمان های چپ وکمونیستی درگذشته که اکنون درسمت وسوی تفکر دمکراتیک و نواندیش قرار دارند و مایلند دراین باره، اولین قدم ها را بردارند و کار تدارکاتی لازم را آغاز کنند و یاطرح و پیشنهادی دارند، همکاری کند .

### ۳.۳. تشکل های دمکراتیک

#### ۱.۳.۳. در داخل کشور

\* درشرایط اختناق کنونی درایران و نبود آزادی های دمکراتیک ، ایجاد تشکل های دمکراتیک که ضرورتاً باید علنی باشند، بادشواری های فراوانی روبروست و باید با احتیاط کامل و بررسی شرایط مشخص ، هر تشکل دمکراتیک برنامه ریزی شود و با حداقل آسیب پذیری توأم باشد . دراین باره می توان انواع سندیکاهاى صنفی وکارگری، سازمان های دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارمندان، انجمن های دفاع ازحقوق بشر، دفاع ازحقوق زنان تا انواع انجمن های فرهنگی و ادبی را نام برد .

\* هواداران ما باید بکوشند درسازمان ها و تشکل های موجود، هرجا که مردم باشند، جز درتشکل هایی چون انجمن های اسلامی که جنبه ایدئولوژیک مذهبی دارند و یا ابزار مستقیم تبلیغاتی رژیم اند، شرکت کنند و در دمکراتیزه کردن آن ها بکوشند. و یا درایجاد تشکل های دمکراتیک جدید همراه با سایرین، هشیارانه اقدام نمایند .

#### ۲.۳.۳. در خارج از کشور

\* درخارج ازکشور، اینک میلیون ها ایرانی مهاجر بسر می برند. سازماندهی آنها درتشکل های دمکراتیک ، چه ازنظر کمک به مهاجران ایرانی وچه ازجهت ایجاد همبستگی ومناسبات ملی میان ایرانیان، زنده نگاه داشتن و اشاعه فرهنگ و زبان و تاریخ و ادبیات ایران، با توجه ویژه به نسل جوان ، ضرورت جدی دارد.

دراین رابطه، ترویج و سازماندهی حرکات وسیع برای دفاع از آزادی و حقوق بشر درایران و تجهیز افکار عمومی جهانی علیه رژیم قرون وسطایی اسلامی ، اهمیت زیادی دارد. منظور ازتشکل های دمکراتیک درخارج از کشور، انجمن ها، جمعیت ها و کمیته های دمکراتیک نظیر: انجمن های ایرانیان مقیم شهر وکشور، کمیته های دفاع ازحقوق بشر و زندانیان سیاسی، جمعیت مهاجران ، انجمن های فرهنگی و هنری و نظایر آن درخارج از کشور است .

هدف ، شرکت فعال در تشکل های واقعا دمکراتیک و مفید موجود و یا کمک به ایجاد تشکل های نوین و ضروری، بارعایت قواعد دمکراتیک برای چنین تشکل هایی است . رعایت نکات زیر از دیدگاه ما ضرورت دارد:

الف : تشکل های دمکراتیک در هر محل و در هرشرایطی ، به روی همه ایرانیان که آماده اند درجهت عمومی پیشبرد اهداف آن عمل کنند، بدون استثناء و بدون تفتیش عقاید، گشوده است .

ب : این گونه تشکل ها ، برای آنکه واقعا دمکراتیک وهمه گیر باشند ، باید کاملاً و بطور واقعی ازسازمان ها و ازاحزاب مستقل باشند .

در رابطه با سازمان های دمکراتیک ، تلاش جدی برای ایجاد يك سازمان دانشجویان ایرانی، با کاربست دستاوردها و تجارب و نیز با درس گیری جدی از خطاهای کنفدراسیون جهانی، ضرورت دارد .

## ۴- درك و تلقی ما از دمکراسی

### ۱.۴- دمکراسی چیست؟

دمکراسی، سازمان سیاسی جامعه ایست که در آن بجای سلطان مطلق العنان، ولی فقیه و دیکتاتور جبار، مردم حاکمیت خود را اعمال میکنند. به عبارت دیگر، دمکراسی حکومت مبتنی بر نهادهای منتخب مردم از طریق رأی آزاد اکثریت آنان در یک انتخابات منظم و بدون اعمال فشار است. دمکراسی متضمن تأمین آزادی های دمکراتیک است و بدون آن ها، دمکراسی سیاسی بی محتوا و معناست. دمکراسی بیانگر محدودیت نهادی شده قدرت حکومتی است.

دمکراسی نسبتاً گسترده و پایدار کنونی در کشورهای اروپایی و برخی کشورهای دیگر، نتیجه قرن ها مبارزه مردم و قیام ها و انقلاب های متعدد بدست آنهاست. عمق و دامنه دمکراسی، یعنی درجه و شدت اعمال حاکمیت مردم در اداره امور کشور، محصول تناسب نیروهای سیاسی و مبارزه نهادهایی چون سندیکاها و درجه جافتادن فرهنگ دمکراسی و رشد جامعه مدنی است. دمکراسی با مبارزه بدمت می آید و در سایه مبارزه حفظ می شود و گسترش می یابد.

### ۲.۴- دمکراسی، خواست دیرینه مردم ایران

مردم ایران و نیروهای سیاسی آن، نزدیک به یک قرن است که برای دستیابی به دمکراسی و آزادی های سیاسی مبارزه می کنند. انقلاب مشروطیت برای پایان دادن به حاکمیت مطلقه سلطنت و قطع نفوذ روحانیون مشروعه خواه به پیروزی های بزرگی دست یافت و حماسه ها آفرید. با دخالت و لشکرکشی روسیه تزاری و تحریکات مرتجعین بود که جنبش مردم برای دمکراسی و تجددخواهی، ناکام ماند.

جنبش های دمکراتیک و ملی بار دیگر بعد از جنگ جهانی اول نفع گرفت. جنبش خیابانی، جنبش جنگل، قیام کلنل محمد تقی خان، قیام لاهوتی از نمونه های آنست. این بار جنبش مردم برای آزادی و استقلال با کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ و با روی کار آمدن رضا پهلوی سرکوب شد. از نو، در دهه ۲۰ جنبش مردم برای دمکراسی

جان گرفت و با جنبش ملی شدن نفت درهم آمیخت و با روی کار آمدن دولت ملی-دمکرات دکتر مصدق گسترش یافت.

این بار، با کودتای آمریکایی- انگلیسی ۲۸ مرداد بود که درخت آزادی را خشکاندند و استبداد ۲۵ ساله محمدرضا پهلوی بر مردم میهن ما تحمیل شد و کشور ما از پیشرفت سالم در راه دمکراسی، تجدد و استقلال ملی، محروم گردید.

علیرغم ترور و اختناق، مبارزه مردم و سازمان های سیاسی در راه دمکراسی همچنان ادامه یافت. درخت آزادی جوانه زد و در قیام مردمی و انقلاب بهمن ۵۷، با شعار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، یکی از عظیم ترین حماسه های مردمی تاریخ معاصر ما رقم خورد. اما بار دیگر بهار آزادی چند صبحی بیش دوام نداشت. روحانیون در جریان یک مبارزه خونین، لحظه به لحظه سنگرهای آزادی را تصرف کردند و همه آرمان ها و دستاوردهای دمکراتیک مردم را که در راه آن از انقلاب مشروطیت به این سو، این همه فداکاری شده بود، پایمال کردند و خودکامگی سلطنتی را با استبداد توتالیتاریستی ولایت مطلقه فقیه، به اوج رساندند.

۳.۴- ویژگی کنونی جامعه ایران در مبارزه برای دمکراسی و آزادی های سیاسی در اینست که خواست دمکراسی و آزادی سیاسی، هرگز تا این حد فراگیر نبود و اقشار وسیع مردم و نیروهای سیاسی از طیف های گوناگون و ناهمگون را دربر گرفته بوده است. اینک تمام مردم ایران تشنه آزادی اند.

تاقبل از انقلاب بهمن، نیروی سیاسی- اجتماعی اصلی در مبارزه برای آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک، علیرغم اشکالات جدی در درك و تلقی شان از دمکراسی و آزادی، بطور عمده از میان کارگران و زحمتکشان و خرده بورژوازی شهر، و روشنفکران دمکرات و مترقی و نمایندگان سیاسی این اقشار و طبقات، برمی خاست. بخش مهم بورژوازی ایران، بویژه بورژوازی بزرگ، در آخرین ربع قرن سلطنت پهلوی، رشد و توسعه خود را باتمکین به استبداد سلطنتی صورت می داد. در بیست سال سلطنت رضاشاه نیز تکوین بورژوازی نوین و گسترش آن، بر همین روال بود. اما اکنون حتی بخشی از همین بورژوازی ایران، در برابر فاجعه استیلائی نظام استبدادی- مذهبی بر جامعه ایران و نقش

رژیم مبتنی بر دین سالاری و حاکمیت مطلقه ولایت فقیه، چون هر نظام ایستاده برای تحمیل خود بر جامعه ایران، راه جبر و سرکوب همه دگراندیشان و شکنجه و کشتار و قتل عام مخالفان را در پیش گرفته و آزادی های سیاسی و صنفی را از مردم و نیروهای سلب و دمکراسی را پایمال کرده است. تا چنین است، و در شرایطی که هیچ گونه امکان رفرم و اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی فراهم نیست، چنین رژیمی را نمی توان با استفاده از موازین دمکراتیک ناموجود و با تکیه بر آراء مردم، که امکان ابراز آزادانه از تغییر داد. ... علنی باشند، بادشوارتی ... سندیکاها و صنایع تشکل های دمکراتیک در داخل کشور

سیاست های ائتلافی ایجاد ائتلاف وسیع از نیروهای دمکرات و ملی حزب دمکراتیک مردم ایران برای باور است که سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی و دستیابی به سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، امکان پذیر است. ...

نگاره دوم  
گروه دوم

### مبانی سیاسی - نظری

### حزب دمکراتیک مردم ایران

### مصوب کنگره دوم

### انتشارات حزب دمکراتیک مردم ایران

حزب ایران  
کنگره دوم  
جمهوری مبتنی بر استقامت ملی و دمکراسی سیاسی و حقوق بشر است. ...  
مبانی سیاسی نظری

سیاسی - نظری  
حزب دمکراتیک مردم ایران  
کنگره دوم  
جمهوری مبتنی بر استقامت ملی و دمکراسی سیاسی و حقوق بشر است. ...

مقدم  
اولین

سیاسی - نظری  
کنگره دوم  
جمهوری مبتنی بر استقامت ملی و دمکراسی سیاسی و حقوق بشر است. ...

#### ۵۴. دموکراسی سیاسی موردنظر ما در جمهوری آینده ایران -

۱.۵۴- وظیفه اصلی و مبرم ما در آغاز، مبارزه برای برچیدن رژیم جمهوری اسلامی و تلاش برای برقراری دموکراسی سیاسی و پرورش فرهنگ دموکراسی در ایران است. اساساً نسل ما، نسل مبارزان راه دموکراسی است. زیرا در کشور استبداد زده و غرق در باتلاق ارتجاع قرون وسطایی مذهبی، برای تعالی جامعه و شرکت واقعی مردم در آبادانی و رشد اقتصادی و اجتماعی، اداره امور کشور، گذار از مرحله دموکراسی سیاسی، ضرورت دارد. باید دموکراسی در فرهنگ مردم و بویژه در توده های محروم، عمیقاً ریشه دواند و به فرهنگ و طبیعت ثانوی آنها مبدل شود، تاگذار به سوسیالیسم دموکراتیک با سیمای انسانی نیز با دموکراسی و آزادی های سیاسی کامل همراه باشد.

۲.۵۴- دولت دموکراتیک برآمده از مجلس مؤسسان بعد از جمهوری اسلامی، باید در زمینه دموکراسی و آزادی های سیاسی و تأمین حقوق دموکراتیک مردم، بمشابه مبرم ترین وظایف و برنامه حداقل و فوری، اقدامات زیر را انجام دهد:

الف: رویای سیاسی استبداد مذهبی را درهم ریزد و ساختار حکومتی نوینی را برپایه دموکراتیک و شرکت واقعی و روزافزون مردم در امور خود و امور کشور تأمین کند.

ب: سازمان های سرکوبگر، نظیر سپاه پاسداران، سازمان امنیت جمهوری اسلامی، کمیته های گوناگون فشار بر مردم و دادگاه های شرع و سایر نهادهای ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی را منحل سازد و مسئولان و مسببان جنایت های جمهوری اسلامی را به دادگاه بسپارد و بطور شایسته و برابر قانون مجازات کند. متعهد شود تا از سازماندهی هرگونه نهاد سرکوبگر جدید، قاطعانه جلوگیری کند. قانون اساسی جدید باید بکارگیری هر نوع شکنجه و اعمال هر نوع عمل تراوم با جبر را، به هر دلیل و بهانه ای، علیه مردم قدغن سازد و مرتکبین آن را طبق قانون مجازات نماید.

ج: آزادی های سیاسی: آزادی مطبوعات و نشرکتاب، آزادی بیان و قلم و اندیشه، آزادی تشکل های سیاسی و صنفی، آزادی گرد هم آیی، آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت، آزادی انتخاب شغل و سایر آزادی های دموکراتیک را در کشور تضمین و شرایط عملی شدن و قانونیت یافتن آن ها را فراهم کند.

زیانباری که اختناق و استبداد سلطنتی و حکومت فردی محمدرضا پهلوی در روی کار آمدن روحانیون و بنیادگرایان مذهبی داشته است، به ضرورت برقراری نظامی مبتنی بر دموکراسی و آزادی های سیاسی در ایران بعد از جمهوری اسلامی، پی برده است.

۴۴- دموکراسی نیاز جوادانی است و جوهر آزادی، در پذیرش آزادی برای دگراندیشان است. چپ سنتی ایران، در گذشته بسیج کننده اصلی مبارزه در راه دموکراسی و آزادی های سیاسی در کشور بود، اما متأسفانه اساس تفکر و درک آن، از دموکراسی و آزادی های سیاسی، معیوب و در ذات خود غیر دموکراتیک بود. چپ سنتی ایران، طرفدار آزادی برای خود و طرفداران خویش و خواستار سرکوب دگراندیشان بود و با پیش کشیدن تزهایی چون: "مصالح انقلاب"، "مصالح سوسیالیسم"، "عمده بودن مبارزه ضد امپریالیستی"، خط کشی های "انقلاب و ضد انقلاب"، پایه گذار فکری رژیم دیکتاتوری از نوع دیگر بود. چپ سنتی، دموکراسی را "شعار تاکتیکی"، "خاص بورژوازی" می دانست و سرنگونی بورژوازی را سرنگونی دموکراسی تلقی می کرد. بالاخره، چپ سنتی ایران، طرفدار سوسیالیسم بدون آزادی بود.

حزب دموکراتیک مردم ایران، بر این باور است که مبارزه برای دموکراسی، چون روند اجتماعی-سیاسی جاری در جوامع گوناگون، جنبه تاکتیکی و گذرا و مرحله ای صرف ندارد و نیاز درجه دوم و امری فرعی بر مسائل و مصالح عالی تر نمی باشد. دموکراسی اکسیر حیات اجتماعی و جوهر جوادانه جنبش ما از اکنون تا استقرار کامل سوسیالیسم دموکراتیک با سیمای انسانی است.

درک ما از آزادی، این بیان جوادانی روزا لوکزامبورگ است: "آزادی فقط برای طرفداران دولت و فقط برای اعضای یک حزب - هر قدر هم که پر شمار باشد - آزادی نیست. آزادی همواره فقط آزادی دگراندیشان است."

خط اصلی تمایز چپ نوآندیش از چپ سنتی، بویژه در همین درک او از دموکراسی و در درجه پیگیری و پایبندی و تعهدش به دموکراسی نهفته است.

د: جدایی دین از دولت و آزادی انتخاب مذهب و نفی هرگونه برتری یکی بر دیگری را عملی سازد. از هرگونه اعمال ستم بر پیروان اقلیت های مذهبی خودداری شود و آزادی کامل افراد جامعه در اعتقاد یا عدم اعتقاد به ادیان و مذاهب و مکاتب ایدئولوژیک مختلف، محترم شمرده شود.

در جمهوری آینده ایران، هیچ فردی به خاطر داشتن عقیده و باور سیاسی، مذهبی، ایدئولوژی و یا نظر و تبلیغ آن، نباید تحت پیگرد قرار بگیرد و مجازات شود. جمهوری آینده ایران باید فاقد زندانی سیاسی و عقیدتی باشد. مجازات اعدام یکبار برای همیشه ممنوع گردد.

ح: حزب دمکراتیک مردم ایران، بر این باور است که دمکراسی در ایران و حقوق بشر در مین ما و استقرار صلح و دوستی میان خلق های ساکن کشور کثیرالمله ایران، بطور تنگاتنگ با خودمختاری اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز آموزش به زبان مادری ملیت ها و اقوام ساکن ایران، پیوند خورده است. جمهوری آینده ایران، از نظر ساختار دولتی و تقسیم بندی های کشوری و اصول اداری و برنامه ریزی ها، باید طوری سازماندهی شود که بهترین هماهنگی را میان خلق های ساکن ایران موجب شود و رشد سریع مناطق عقب مانده تر کشور را تأمین کند.

ه: در جمهوری آینده ایران، همه مردم در برابر قانون مساوی اند. حزب ما خواستار آنست که شرایطی فراهم گردد و امکانات جامعه و دولت بنحوی در خدمت مردم قرار بگیرد تا افراد بتوانند بطور واقعی در برابر قانون یکسان باشند و ثروت و زور و موقعیت اجتماعی، نتواند محرومان کشور را از حقوق برابر در مقابل قانون محروم سازد.

و: در جمهوری آینده ایران، حق اعتصاب و تظاهرات، برای همه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و کارمندان و اقشار اجتماعی به رسمیت شناخته می شود و سندیکاهای کارگران و زحمتکشان از حمایت قانونی برخوردار بوده و عنصر مهمی در مذاکره با مقامات دولتی و مدیریت های اقتصادی مؤسسات تولیدی خصوصی و دولتی، در مسائل مربوط به کار این و زحمتکشان و در امور تولیدی، به شمار می آید.

ز: برابری زن و مرد در همه زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برقرار و تضمین شود. زیرا بدون تأمین برابری کامل حقوق زن و مرد، دمکراسی ناقص و منشور حقوق بشر کاغذ پاره ای بیش نیست. حزب دمکراتیک مردم ایران، خواستار لغو کلیه قوانین جمهوری اسلامی و قوانین مدنی ایران است که به نفی برابری حق زن و مرد می پردازد.

رهایی زن ایرانی از قیود مذهبی، اجتماعی و فرهنگ عمیقاً مردسالارانه و پراز تبعیض، ارتجاعی و مغایر با منشور حقوق بشر، شرط لازم برای احیاء شخصیت مستقل زن در جامعه است. دمکراسی مورد نظر ما آنجا که به زنان مربوط می شود، آنگاه تعمیق می یابد که به جنبش فمینیستی و مستقل زنان توجه ویژه داشته باشد.

#### ۶.۴- دمکراتیزه کردن جامعه سرمایه داری و ژرفش و گسترش دمکراسی.

\* حزب دمکراتیک مردم ایران، در نظام دمکراتیک بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، باید در جهت دمکراتیزه کردن هرچه بیشتر جامعه فعال باشد. ژرفش دمکراسی در تأمین مشارکت مردم در اداره امور کشور، یکی از عرصه های اصلی مبارزه ما را تشکیل میدهد. دمکراسی برای آنکه گسترش بیابد و تعمیق شود، نباید صرفاً به بیان اراده ملت از طریق مجلس محدود شود. برای کارایی دمکراسی، یعنی کنترل بیشتر مردم در امور، لازم است دستگاه های اداری، قضایی و نهادهایی چون دستگاه ارتباط جمعی و مطبوعات نیز دمکراتیک باشد. دولت و مجلس باید بطور منظم و باتوجه به نظریات ارگان های سندیکایی و توده ای اقشار و گروه های اجتماعی مختلف و با مشارکت آنها به مسائل مربوط به زندگی کارگران، کارمندان، روستائیان، زنان و جوانان توجه کند.

\* کنترل مردم روی عملکردهای دولت، اساس دمکراسی است. حزب دمکراتیک مردم ایران در راه ایجاد امکانات و مراکز دولتی و غیردولتی برای دسترسی مردم به اطلاعات و شناخت مسائل کشور، توسعه روزنامه نگاری پژوهشی، استفاده وسیع و دمکراتیک از برنامه های مستقل تلویزیون و رادیو، ایجاد اشکال مختلف، نهادهای مردم برای کنترل دستگاه ها و مؤسسات دولتی مبارزه می کند.

حزب دمکراتیک مردم ایران، خواستار آنست که نیروهای مسلح و انتظامی کشور دارای چنان ساختار و فرهنگ دمکراتیکی باشند که بتوانند آگاهانه درسیاست عمومی کشور و در انتخابات همگانی شرکت کنند، تا به وظیفه اصلی خود که پاسداری از استقلال ملی و صلح و امنیت داخلی است، عمل کنند و از تبدیل شدن به قدرت های جدا از مردم و حاکم بر آنان و در نهایت رو در روی مردم درامان باشند. اضافه براین، باید به رشد فرهنگ سیاسی نیروهای مسلح ارتش و نیروهای انتظامی آمیخته با روح دمکراسی و عشق به انسان و میهن دوستی و ارتقاء دائمی سطح دانش اجتماعی و فرهنگ سیاسی آنان همت گماشت.

#### ۷.۴. دمکراسی سیاسی و دمکراسی اقتصادی: دو وظیفه جدایی ناپذیر

\* علیرغم اهمیت دمکراسی سیاسی در جامعه سرمایه داری، باید از هرگونه مطلق کردن آن، که گویی حلال همه مشکلات است، اجتناب کرد. این دمکراسی سیاسی نیست که برای کارگران کار و برای محرومان جامعه نان و مسکن فراهم می کند و فقر و تنگدستی را پایان می دهد. تا توده ها بیکار و گرسنه و محرومند، مسئله اصلی و مبرم در نظر آنها، نه دمکراسی، بلکه حل معضلات زندگی آنهاست. جریانات افراطی چپ و راست و دیکتاتورها، درست از همین جا، با طرح شعار نان برای همه، کار برای همه، قبل از هر چیز دمکراسی را زیر پای خود لگدمال می کنند.

حزب دمکراتیک مردم ایران، بمشابه یک جریان چپ طرفدار تغییر و تحولات بنیادی، مدافع محرومان و ستم دیدگان جامعه، و بمشابه حزبی که رسالت اصلی آن دفاع از دمکراسی و عدالت اجتماعی است، باید مبارزه برای گسترش دمکراسی سیاسی را پیوسته با مبارزه برای تأمین دمکراسی اقتصادی و تلاش در راستای عدالت اجتماعی توأم سازد. از دیدگاه ما، دمکراسی سیاسی، دمکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی، لازم و ملزوم هم و جوه جدایی ناپذیر مبارزه ای واحدند.

\* هدف ما، برقراری دمکراسی سیاسی در جامعه مشخص و عقب مانده ایران است. در اثر نیم قرن حکومت استبدادی پهلوی و نیز بیش از دهسال حکومت ظالمانه اسلامی و هشت سال جنگ ویرانگر، فقر و محرومیت میان توده ها بیداد می کند. مبارزه برای

دمکراسی صرف، در جمهوری آزاد بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، بدون مبارزه همزمان برای دمکراسی اقتصادی و در راستای عدالت اجتماعی، به مخاطره انداختن و عملاً عقیم گذاشتن همین دستاورد، یعنی دمکراسی سیاسی است. برای آنکه توده های وسیع مردم درسیاست و در پراتیک دمکراسی شرکت فعال داشته باشند، باید از وقت آزاد و فراغت، فکر نسبتاً آرام و حداقل لازم رفاه و آرامش روحی برخوردار باشند و دمکراسی سیاسی را چون عامل ضروری برای دفاع از حقوق خود و در بهبود شرایط زندگی شان احساس کنند. معنا و مفهوم مبارزه همزمان برای دمکراسی سیاسی و عدالت اجتماعی ازسوی حزب دمکراتیک مردم ایران در همین جاست و علت وجودی ما هم در همین است.

#### ۹.۴. دمکراسی در جامعه سرمایه داری و مبارزه در راه سوسیالیسم دمکراتیک.

\* مبارزه در راه عدالت اجتماعی و دمکراسی اقتصادی از همان جامعه سرمایه داری شروع می شود و در سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی قاعدتاً به کمال می رسد. در روند مبارزه برای گسترش و تعمیق دمکراسی و در راستای عدالت اجتماعی است که توده های مردم بر مزیت و برتری جامعه آرمانی سوسیالیسم دمکراتیک آگاه می شوند و داوطلبانه بدان روی می آورند.

\* این نظریه که "دمکراسی، بورژوازی است" و در جوامع بورژوازی "دمکراسی مخصوص استثمارگران است"، استخوان بندی درک لنینی-کمینترنی از دمکراسی سیاسی است. بی اعتباری این نظریه در بوتۀ زمان و عمل ثابت شده است. زیرا تحقق دمکراسی کامل، نفی و لگدمال کردن دمکراسی در نظام بورژوازی نیست، بلکه تکمیل آن و شکستن قالب هایی است که دمکراسی را در جوامع سرمایه داری محدود می کند، و در عین حال جستجوی اشکال و قلمروهای نوینی است که دمکراسی در جوامع بورژوازی را که خود دستاورد باارزش بشریت است به کمال می رساند.

دمکراسی، روندی نیست که تنها بعد از تحول سوسیالیستی جامعه آغاز شود. گسترش و تعمیق دمکراسی از همان جامعه بورژوازی آغاز می شود و در مرکز مبارزه دمکراتیک برای سوسیالیسم قرار دارد و بخش جدایی ناپذیر آنست. رهشۀ این اندیشه که "دمکراتیسم پیگیر رو به سوسیالیسم دارد"، در همین است.

\* باور به ضرورت دمکراسی در جامعه و پایبندی به آن، بدون دمکراسی درون حزبی که تار و پود آن را فرا گرفته باشد، غیرممکن است. این شعار منعکس در "نامه به رفقا" که: "حزبی که در درون آن دمکراسی نباشد، هرگز نمی تواند منادی آزادی در جامعه باشد"، همچنان معنا و اهمیت خود را حفظ کرده است. با حزب استبدادی و با روابط تشکیلاتی غیردمکراتیک و آمرانه، نمی توان طرفدار واقعی دمکراسی در جامعه بود.

\* \* \*

۵- آرمان غایی ما: برقراری جامعه ای سرشار از دمکراسی و عدالت اجتماعی است، تا رفاه کامل و بهروزی انسان آزاد و فارغ از هرگونه ستم، فراهم گردد. از دیدگاه ما، سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، مناسب ترین وسیله دستیابی به آنست. سوسیالیسم وسیله است نه هدف.

۱۵- چرا سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی.

\* حزب دمکراتیک مردم ایران، سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی را در برابر نظام سرمایه داری مطرح می سازد که در طول چند قرن نشان داده است که بطور ذاتی قادر نیست به برقراری عدالت اجتماعی و تحقق شعار "برابری و برادری"، که از خواست های بشر دوستانه و رادیکال انقلاب کبیر فرانسه بود، بپردازد. زیرا انگیزه اصلی و حیاتی سرمایه دار در نظام سرمایه داری، تأمین حداکثر سود است، نه سعادت و رفاه انسان. و برای تأمین سود حداکثر هم از هیچ اقدامی در زمینه استثمار انسان و چپاول و استثمار سایر ملت ها و جنگ های توسعه طلبانه و امپریالیستی و توسل به هر اقدام غیرانسانی، حتی به قیمت آلوده و مسموم کردن محیط زیست و سوداگری مرگ از راه جنایت بار مواد مخدر که اینک نسل جوان را در بسیاری از کشورها به نابودی تهدید می کند، روگردان نیست. سرمایه داری در ذات خود پدید آورنده نابرابری های اقتصادی. اجتماعی است. تاریخ چند قرن حیات سرمایه داری، بویژه تجربه کشورهای سرمایه داری با لیبرالیسم اقتصادی گسترده، چون آمریکا و انگلستان، نشانگر دیرپایی و رشد نابرابری های اجتماعی میان "جامعه ثروتمندان" و "جامعه محرومان" این کشورهاست. در ایالات متحده آمریکا، غنی ترین کشور سرمایه داری امپریالیستی، هم اکنون ۵ میلیون فقیر در بدترین شرایط بسر می برند.

حزب دمکراتیک مردم ایران، که تأمین دمکراسی گسترده و عدالت اجتماعی را - برخاسته از تمایلات قاطبه مردم و نیاز جامعه ایران- هدف قرار داده است، نمی تواند مدافع نظامی باشد که نافی آرمان های عدالت جویانه و بشردوستانه وی است.

۲۵- مزیت سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی از آن روست که می تواند رشد اقتصادی و وسایل و امکانات کشور را بطور موزون و آگاهانه، در خدمت انسان و بالندگی او قرار دهد و قادر است ثروت های ملی را به خردمندانترین و عادلانه ترین وجه ، برای پیشرفت و ترقی و تمدن جامعه و تأمین عدالت اجتماعی و رفاه بکار اندازد و دریک کلام ، انسان را درکانون همه تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهد و قدم های اساسی درجهت از میان بردن فقر و بیکاری و محرومیت ها بردارد و در نهایت به استثمار انسان پایان بخشد . دستیابی به چنین جامعه ای، غایت مطلوب ما، برای اوضاع و احوال کشوری چون میهن ماست . سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، در راه تأمین سعادت و رفاه مادی و معنوی مردم ایران در درجه اول به فشرهائی از جامعه نظر دارد که هنوز از محرومیت نسبی رنج می برند و فرزندان ستمدیده این آب و خاک و مدافعان همیشگی استقلال و آزادی و فرهنگ و سنت های ایرانند .

۳۵- سوسیالیسم مطلوب ما، فقط بر زمینه يك اقتصاد نسبتاً رشد یافته قبلی و بر بستر يك دمکراسی سیاسی نسبتاً پیشرفته در جامعه قبل از سوسیالیسم، دست یافتنی است . روند تدریجی و موزون ساختمان سوسیالیسم دمکراتیک ، زمینه های نوین و آهنگ سریع تری به رشد اقتصادی موجود می دهد و به برقراری شکل نو و عادلانه توزیع درآمد ملی منی انجامد اساساً بدون رشد اقتصادی همه جانبه و موزون ، تأمین عدالت اجتماعی غیرممکن است . زیرا عدالت اجتماعی، تقسیم فقر نیست . دمکراسی نیز با اتخاذ اشکال نوین شرکت دادن مردم در امور خود و گسترش اشکال خودگردانی امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و در سایه کاهش تدریجی نابرابری های اجتماعی، به سوی دمکراسی واقعی و کامل هدایت میشود .

۴۵- سوسیالیسم دمکراتیک و انسانی بردورکن اساسی: دمکراسی و عدالت اجتماعی استوار است .

در تجربه سوسیالیسم نوع شوروی، بعلت فقدان دمکراسی و عدول از حاکمیت مردم، تمام

آرمان های عدالت جویانه و انسان دوستانه سوسیالیسم مسخ شد، رنگ باخت و به ضد خود تبدیل گردید. حال آنکه تمامی اندیشه های والای انسان دوستانه و عدالت جویانه ای که ابتدا توسط اولین اندیشه پردازان سوسیالیسم تخیلی و سپس با وسعت و عمق بیشتر از سوی پایه گذاران سوسیالیسم علمی مطرح شدند، در سوسیالیسم دمکراتیک و انسانی تحقق پذیر است . افسوس که تجربه اسف بار "سوسیالیسم واقعاً موجود" و این همه دروغ بافی درباره آن و افسون حافظان آن در بازیچه قرار دادن احساسات پاک بشریت و اینک فروپاشی آن ، موجب یأس و ناباوری به سوسیالیسم شده و انگیزه مبارزه در راه این آرمان والای بشردوستانه را فروکاسته است . اما این آرمان و خواست آن، همچنان پابرجاست ، زیرا انعکاس نیازهای واقعی جامعه بشری در کل آن و بویژه در کشورهای نظیر ایران است .

۵۵- در سوسیالیسم مطلوب ما منبع اصلی قدرت دولتی، حاکمیت کامل مردم است، نه يك طبقه خاص.

به همان ترتیبی که نیروهای طرفدار سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، از طریق دمکراسی به حکومت می رسند، به همان روال هم بر اساس دمکراسی، یعنی حاکمیت دمکراتیک مردم و به اتکاء رأی اعتماد آنان، از طریق مجلس نمایندگان، یا رأی مستقیم مردم، حکومت خواهند کرد . و هر زمان که اعتماد اکثریت مردم را از دست دادند، بی قید و شرط حکومت را به نیروی سیاسی دیگری که مورد تأیید اکثریت مردم باشد، تسلیم خواهند کرد . بدون چنین تعهد صادقانه و بی خدشه و احترام به حاکمیت دمکراتیک مردم و اصول میانی دمکراسی، سوسیالیسم در ایران پیروز نخواهد شد .

۶۵- به نظر ما قانون اساسی باید بر منشوری استوار باشد که اعلامیه حقوق بشر و میثاق های مربوط به حقوق مدنی و اجتماعی و اقتصادی مصوب سازمان ملل ، اساس و استخوان بندی آن را تشکیل دهد . در این منشور باید آزادی های سیاسی پایه ای، حقوق دمکراتیک مردم ، از جمله حق مشروع مردم برای قیام و شورش علیه هر حکومت و نیرویی که بخواهد از راه غیردمکراتیک اصول این منشور را پایمال کند، قید شود، تا هر قانون و



لایحه ای که از سوی قوه مقننه، قضایی و نهادهای دیگر بگذرد که مغایر با اصول مندرج در منشور باشد، از اعتبار ساقط گردد. قانون اساسی باید ترتیب کنترل و پاسداری از اصول اساسی مندرج در منشور را مشخص سازد.

حزب دمکراتیک مردم ایران باید بکوشد تا چنین منشوری هم سرلوحه قانون اساسی جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد و هم در قانون اساسی حکومت سوسیالیستی دمکراتیک آینده ایران مورد نظر قرارگیرد.

۷.۵- آنچه در فصل ۵ این سند بیان شد، طرح آرمان غایی ما و ترسیم عام ترین خطوط آن بود، نه بیشتر از آن. زیرا در حال حاضر نه وضعیت جامعه ایران از نظر رشد اقتصادی، اجتماعی، ساختار طبقاتی، رشد فرهنگی و کیفیت دمکراسی، در آن لحظه تاریخی که گذار به سوسیالیسم دمکراتیک در دستور روز خواهد بود، برای ما معلوم است و نه هنوز تجارب بعد از فروپاشی نظام "سوسیالیسم واقعا موجود" و تلاش هایی که هم اکنون از سوی متخصصان برای بیان عام ترین ویژگی های نظام سوسیالیستی دمکراتیک صورت می گیرد به جمع بندی لازم رسیده است، و نه هنوز حزب ما به مطالعه و بررسی جدی و انتقادی از تجارب سوسیال دمکراسی در کشورهای مختلف پرداخته است.

بررسی و تعمق در چگونگی ساختار اقتصادی مناسب برای ایران و انواع مالکیت های ممکن و ضروری و چگونگی همزیستی آن ها، مطالعه نقش بازار در ارتباط با سیستم برنامه ریزی شده اقتصاد، تفکر در شکل حکومتی اداره کشور و رابطه جامعه مدنی و جامعه سیاسی و بویژه نقش دولت و مسائل مهم دیگر در سوسیالیسم دمکراتیک با سیمای انسانی، در دستور کار ماست.